



### گفتمان انقلاب بی پرده



آخر سال "اقتصاد مقاومتی؛ اقدام و عمل" است و مسئولین باید نشان دهند برای اقدام و عمل چه کرده‌اند؛ نگویند باید چنین بشود، بگویند چنین شد. نمی‌شود گلایه‌های مردم را نادیده گرفت؛ مسئله‌ی گرانی و بیکاری و رکود مهم است؛ مسئولین باید تلاش کنند/ امروز دشمن سعی دارد به اقتصاد کشور فشار بیاورد تا مردم دچار مشکل شده و دلزده بشوند.

۹۵/۱۱/۲۷

# سَس صدای دانشجویان یک ملت

دوهفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی / سال اول / شماره چهارم / اسفند ماه ۹۵

### سخن سردبیر

نشریه سَس صدای دانشجویان یک ملت است. صدای دانشجویانی که همواره در صحنه‌های حساس سیاسی و اجتماعی حاضر بوده و هیچگاه خفقان را نخواهد پذیرفت.

آزادی بیان در چارچوب قانون و شرع همواره از اصلی‌ترین حقوق دانشجویی است اما عده‌ای در کسوت نمایندگی مجلس شورای اسلامی در راستای تخطئه کردن این آزادی طرحی را برای ایجاد خفقان در دانشگاه مطرح ساخته‌اند. اینکه دانشجویی نتواند نظرش در ارتباط با مسئله‌ای را در مراسم مربوطه بیان کند به طنز می‌ماند تا قانون که اگر اظهار نظر کند حکمی برایش می‌نویسند که آینده‌اش را نیز خدشه دار می‌کند.

راستی خبر دارید مردم خوزستان غریب مانده‌اند. آری خوزستانی که منابع ثروتش زندگیمان را می‌چرخاند. خوزستانی‌ها حق دارند گله کنند هم از وضع اقتصادیشان که گله‌ای عمومی است و هم از وضع آب و هوایشان که حاصل کم‌کاری و یا ندانم‌کاری مسئولانی است که غرق در سیاسی‌کاری شده‌اند. آری زمانی آب و هوا را به برجام گره می‌زدند حالا که برجام برایشان رو شده است آب و هوا را به سال‌های قبل مرتبط می‌دانند. رئیس‌جمهور محترممان ریز گردها را به گناهمان بسط می‌دهند. آری گناهمان این بوده که مسئولانی بی‌دغدغه سرکار آورده‌ایم.

به خودمان نگاه کنیم عده‌ای همین چند سال پیش سرزمینمان را تالیه پرتگاه کشاندند و امروز به ظاهر برایمان دایه مهربان تر از مادر شده‌اند. برایمان آشتی ملی سر می‌دهند. مردم را با همدیگر قهر و دشمن نشان می‌دهند. این از خدا بی‌خبران اما نمیدانند که مردم بیشتر از هر زمان دیگر در وحدت با هم هستند و دشمنان واقعی خود را بهتر از همیشه شناخته‌اند. آنان با فتنه‌گران قهراند و دشمن. آری دشمن‌اند چرا که فتنه‌گران محارب‌اند و محاربان هم دشمن‌اند و هم دشمن ملت. ملت برای این سرزمین جان داده‌اند و خون از خون شهید نمی‌شود گذشت. آشتی با محارب و فتنه‌گر یعنی گذشتن از خون شهید یعنی جنگ با خدا. برآستی چه ساده لوحانی بودند انانی که آشتی ملی سر می‌دادند و چه زیبا دستشان برای مردم رو شد.



## عبور و مرور دانشجویان ممنوع!

این مسیر که عموماً برای خودروها مناسب است ممنوع هست یا نه سوالی است که از مسئولان مربوطه داریم. هر از گاهی از طرف رانندگان گرامی این ممنوعیت مطرح می‌شود و ما اندر جوابشان عاجز می‌مانیم. مطمئناً در این قضیه کم‌کاری یا غفلت متوجه مسئولان مربوطه است و خدای ناکرده هرگونه اتفاق ناگوار در این باره پیشمانی بی‌حاصلی بدنبال خواهد داشت. همه ما دانشجویان منتظر اقدام مناسب و سریع در این باره خواهیم ماند. امید بر آن داریم علف پایمان سبز نشود که سبزی آن بیشتر از آنکه مایه شادی باشد موجبات تاسف خواهد بود.

حمل آن که اغلب به شکل خطرناک هم صورت می‌گیرد امنیت جانی دانشجویان دانشگاه را تهدید می‌کند. خود شاهد چندین برخورد این سواری‌ها با دانشجویان و یکی از قربانیان آن بوده‌ام. رانندگان محترم آنقدر حق به جانب با این برخوردها مواجه می‌شوند که کم‌کم می‌ماند جریمه‌ای هم بعنوان تعرض به حقوقشان به آنان پردازیم. شاید پیاده‌رو انچنان هزینه‌ای هم برای دانشگاه به بار نیآورد اما می‌تواند امنیت جانی دانشجویان را به صد برساند. مسئولان محترم دانشگاهمان مطمئناً دغدغه‌هایشان مجال پرداختن به این مسئله را نداده است و گرنه دلسوزیشان برای دانشجویان قابل تشخیص خواهد بود. بهتر است قبل از اینکه حادثه ناگوار در این مسیر و به این خاطر رخ بدهد اقدامی برای حل این مشکل صورت گیرد. اینکه تردد دانشجویان در

مطمئناً شما هم از دانشکده بهداشت و تغذیه به طرف دانشکده پزشکی یا سلف مرکزی پیاده رفته‌اید و یا دیده‌اید تعداد کثیری از دانشجویان این مسیر را بدون خودرو طی کرده باشند. زمان ناهار که می‌رسد سیل دانشجویان به سمت سلف گسیل می‌شود. اکثر این دانشجویان فاقد خودرو سواری برای تردد در این مسیر هستند و برای رسیدن به مقصود مجبور به پیاده روی هستند که صد البته برایمان مفید هم خواهد بود. نکته قابل توجه و تأمل این مسیر عدم وجود پیاده‌رو ایمن یا حتی غیر ایمن برای این دانشجویان است. اصولاً برای این مسیر پیاده‌روی تعریف نشده است و یا اگر تعریف نیز شده باشد با مصالح ساختمانی که برای ساختمان دیالیز بکار می‌رود اشغال شده است. تردد ماشین‌های سواری و تانکرهای آب و ماشین‌های خاک برداری و

## شورش مدعیان امید علیه آزادی

چند روز پیش بود که طرحی دوفوریتی از فراکسیون امید بیرون آمد که همگان در شوک ارائه آن فرو رفتند. برخورد با برهم زندگان مجالس سخنرانی عنوان این طرح دوفوریتی بود. برخلاف عنوان جالب طرح اما متن و بند های آن قابل بحث و تاسف زیادی است. در بندی از این طرح آمده: هراقدامی که باعث جلب توجه دیگران شود ۶ ماه تا ۲ سال حبس در پی خواهد داشت. فرض کنید خدای ناکرده یکی از بزرگواران مجلس که با رای خودمان به آن رسیده اند در مراسمی به سخنرانی پرداخته و شما از مخاطبین آن سخنرانی گهربار هستید. سرما خوردگی ناچیزی هم کمی اذیتتان می کند اما این سخنرانی آنقدر برایتان ارزش دارد که وقتتان را برای آن گذاشته اید. وسط سخنرانی این نماینده بزرگوار، ناخودآگاه سرفه ای می کنید و عده ای برمی گردند و به شما نگاه میکنند. همین جاست که این نماینده بزرگوار و برگزار کنندگان برنامه می توانند از شما به جرم برهم زدن نظم و جلب توجه شکایت کرده و شما را به چندین ماه یا حتی ۲ سال زندان محکوم نمایند. طرح چنین موضوعی از طرف فراکسیونی که لاف آزادی پایشان گوش هارا کر می کند به هیچ وجه بعید نظر نمی رسد. اینان همان بزرگوارانی هستند که در برخورد با منتقدان آنان را عده ای بی شناسنامه، دلواپس و تندرو میخوانند. تنها نکته جالب این طرح این بود، آن عده از عزیزانی که در حرف، خود را طرفدار آزادی بیان معرفی می کردند در عمل چهره واقعی شان بی پرده نمایان گردید. امضای افرادی چون دکتر عارف، محمود صادقی (که در میان دوستانشان به عدالت خواهی نترس تبدیل شده است)، مصطفی کواکبیان، خانم ساعی نماینده مردم تبریز و علی مطهری (که همواره در تلاش برای رفع حصر سران فتنه گرانی است که با بی حیایی مردم را کتک می زدند)، بر پای این طرح بیش از همیشه ترس بزرگواران از منتقدان را معلوم می سازد. خانه ای که قرار بود تصمیمات مردم در آن گرفته شود تبدیل به خانه دوم دولتی شده است که از برخورد منتقدان هیچ ابایی ندارد. توقیف چندین خبرنگاری و رسانه مکتوب منتقد از جمله این اقدامات نامناسب است. شاید بهتر بود خانه ای که به اصطلاح برای ملت است تصمیماتی از آن بیرون بیاید که برای مردم باشد نه علیه مردم. اینکه دهان ها را ببندیم تا هر کس هر چه دلش بخواهد بگوید و کسی جرأت پاسخ نداشته باشد کار درست یا شاید عقلانی نظر نرسد. نمایندگان مردم چگونه میتوانند جلوی بیان مردم را بگیرند به بهانه های واهی و پوچ؟ بزرگواران دقت کنند شاید دوسال دیگر در کسوت نمایندگی مردم نباشند و خود جز همین مردمی شوند که این قانون ناجوانمردانه را برایشان می



دست از مطالبه گری برداریم. امیدواریم اندکی خود را جای همان مردمانی بگذارید که شما را به نمایندگی از خود به این جایگاهی که هم اکنون هستید فرستاده اند. علیه آزادی مشروع مردم نشورید که برای آن خون و جان داده ایم. نگذارید مردم بگویند: «شورش مدعیان امید علیه آزادی»

برند. آن زمان خود به آنچه ساخته اید گرفتار خواهید آمد و کسی نخواهد بود حرفتان را بشنود. «از ماست که برماست» تنها جمله است که اینک ما میتوانیم برایتان بگوییم شاید کمی داغ دلمان فرو نشیند اما شما یقین داشته باشید ما مردمانی نیستیم که با چنین گفتار و نوشتارهای نادرستی

## سلاطین و عاشقان تأیید

خانه ما در منطقه پایین شهر بوده و درآمد مردم وابسته به کشاورزی و کار ساختمان هست به همین خاطر تعداد جوانهای بیکارمان زیاد است و جوی که بر محله ماحاکم است جو خوبی نیست به این صورت که همه طوری عاشق تأیید اند. حالا چگونگی تأیید گرفتن و ثابت کردن خود راه های نسبتاً خطرناکی دارد بعضی از جوان ها با سوسابقه و زندان تأیید میگیرند بعضی ها با اربده کشی و خیابان بستن و بعضی ها خود زنی و چند تا خط انداختن روی دست و سر بدنشان. خلاصه بگویم که این عشق تأیید که فکر جوان را گرفته هزینه سنگین روی زندگی فرد گذاشته و هدف کلی زندگی اش را تغییر داده است. با خودم فکر میکردم شاید در شهر من یا شاید در محله های پایین، این عشق تأییدی ها وجود داشته باشد. وقتی که وارد دانشگاه شدم با خود گفتم این افکاری که داشتم دیگر در این قشر فرهیخته چشم نمی خورد. اصلاً اینجا خیلی فرق می کند. مدتی گذشت که با تعریف جدیدی از عشق تأیید آشنا شدم انهم به این صورت که هدف عشق تأیید فرق می کند اینجا تأیید شدن هدفمند است یعنی نتایج خوبی به دنبال دارد. مثلاً زیر پا خالی کردن دیگری و جا را برای خود باز کردن و یا انجام

آمده تیم عکاسیشان در دسترس نبوده و کار را با گوشی های خود ادامه داده اند. احتمال اینکه میخی روی دیوار دانشکده بکوبند و عکس انرا در سایت دانشکده درج کنند هم هست. وضعیت در سطح کارکنان هم زیاد جالب نیست که عشق تأیید روابط را طوری به هم میریزد که سطح روابط به دشمنی هم میرسد و قشری که ضرر انرا می بیند. قشر دانشجویی است.

در نهایت باید گفت احتمال تأیید گرفتن در همه جا هست ولی اهداف متفاوتی دنبال می شود. شاید فردا که وارد کار و مسئولیت شدیم برای خودمان نیز همین وضعیت پیش بیاید یاد حرف بزرگی افتادم که میگفت ریا فقط در مجلس ترجیم جایز است اونم به خاطر دلجویی و احساس همدردی با صاحب عزا و نه دیگر جاها. انشالله که مسیر درست و الهی به دور از حق الله و حق الناس را در پیش بگیریم.

کارهایی که منجر به حفظ میز میشود به طوریکه که اگر یک طوفان نوح دیگری بیاید و تمام میزها و صاحبان میز را تغییر دهد فکر نکنم کوچکترین تکانی به میز این گونه افراد بدهد از بس که تعداد تأیید و مانور خبریشان قوی هست آنهم به وسیله گوشی های full hd و عکاسی های هنر مندانه و رسانه ای کردنش و یا ایجاد یک تیم عکاسی قوی در سطح دانشگاه و خبر گذاری ویژه در زمینه های مختلف. البته جا دارد بگویم در بعضی از دانشکده ها تیم عکاسی قوی هم داریم که وقت زیادی را صرف عکاسی در موقع نماز جماعت میکنند و نماز بزرگواران را طوری نمایان میکنند که انگار نماز اولیاء است. وقتش شده به التماس دعا بگویم بهشان زحمت زیادی میکشند. البته گاهی اوقات پیش



### شناسنامه دوهفته نامه سس

- صاحب امتیاز: بسیج دانشجویی دانشکده بهداشت و تغذیه
- مدیر مسئول: محسن زهره وندی
- سردبیر: وحید عبدلی
- دبیر فرهنگی: مهدیه برادری
- دبیر اجتماعی: محمد باغدار
- دبیر سیاسی: مجتبی خسروی